

بررسی سه خوانش در مورد دیدگاه آیت‌الله مصباح در کمیّات متصل

سیدمیشم امامی میبدی^۱، عسکری سلیمانی امیری^۲

چکیده

فلاسفه، عرضی را که ذاتاً قابل انقسام باشد، مقولهٔ کمیّت نامیده‌اند. کمیّت به‌طور کلی به دو قسم متصل و منفصل تقسیم می‌شود. با اینکه آیت‌الله مصباح بیان می‌دارند که کمیّات متصل، نحوه وجود جسم‌اند، اما درباره اینکه از نظر ایشان کمیّات متصل از چه سنخی هستند، سه خوانش متفاوت وجود دارد. برخی مدعی‌اند که ایشان کمیّات متصل را عرض می‌دانند و معلوم است که عرض از امور ماهوی به‌شمار می‌رود. برخی دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که از منظر ایشان کمیّات متصل ماهوی نیست و چون از راه مقایسه نیز به دست نیامده‌اند، اطلاق معقول ثانی فلسفی نیز بر آنها صادق نیست. خوانش سوم آن است که کمّ متصل از سنخ معقولات ثانیه فلسفی‌اند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی - انتقادی، تلاش می‌کند دو خوانش اول را نفی کند و خوانش سوم، یعنی معقول ثانی فلسفی بودن کمیّات متصل را بر اساس مبانی ایشان، همراه با شواهدی در عبارات ایشان تثبیت کند.

واژگان کلیدی: آیت‌الله مصباح، کمیّات متصل، عرض تحلیلی، معقول ثانی فلسفی

۱. دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق تطبیقی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) Sme.mybody@gmail.com

۲. استاد و عضو هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) solymaniaskari@mihanmail.ir

۱. مقدمه

بحث از مقولات را می‌توان به درازای تاریخ فلسفه دانست. حتی ارسطو نیز صرفاً بحث مقولات را تنظیم و تدوین کرده، نه آنکه پیدایش مقولات از زمان او باشد. (آیتی، ۱۳۷۱، ص ۶) از دیرزمان در مورد تعداد مقولات نظرات مختلفی وجود داشته است. مشهور بین فلاسفه مشاء این است که جوهر، جنس عالی می‌باشد و عرض، مفهوم عامی است که از نه مقوله انتزاع می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۸۸-۷۰؛ بهمنیار بن مرزبان، ۱۳۷۵، ص ۲۹). در برابر قول میرداماد که عرض را مانند جوهر، مقوله و جنس عالی می‌داند و آنچه را دیگران مقولات عرضی می‌نامند، وی آنها را انواع عرض می‌شمارد. (میرداماد، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰) شیخ اشراق و ملاصدرا به ابن‌سہلان نسبت می‌دهند که وی قائل بود مقولات عبارت‌اند از: جوهر، کمیت، کیفیت و نسبت. سایر مقولات عرضی به‌حسب این قول، انواعی از نسبت به‌شمار می‌روند. (سهروردی، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۲۷۸؛ صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۴، ص ۷) قول شیخ اشراق این است که مقولات عبارت‌اند از چهار مقوله نامبرده، به اضافه مقوله حرکت. (سهروردی، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۶) یکی از مقولات عرضی که در مورد مقوله آن بحث شده «کم» می‌باشد. فلاسفه کم را به عرضی که ذاتاً قابل انقسام است تعریف کرده‌اند و آن را به دو قسم کلی متصل و منفصل تقسیم کرده‌اند. آیت‌الله مصباح، کم منفصل را انتزاعی و کم متصل را نحوه وجود جسم می‌داند. در اینکه ایشان کم منفصل را از سنخ معقولات ثانیه فلسفی می‌دانند اختلافی نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۴۲؛ مصباح یزدی و دیگران، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۳۱۹) اما در مورد دیدگاه ایشان در مورد کم متصل، خوانش‌های مختلفی وجود دارد. برخی با تمسک به برخی عبارات ایشان، کم متصل را عرض و مقوله می‌دانند. برخی دیگر این چنین برداشت کرده‌اند که ایشان کم متصل را نه ماهوی می‌دانند و نه از سنخ معقولات ثانیه فلسفی. تفسیر سومی که عده‌ای برداشت کرده‌اند و تفسیر درستی است این است کم متصل از منظر ایشان از سنخ معقولات ثانیه فلسفی است.

لازم به ذکر است که ما نمی‌توانیم به صورت همزمان، دو خوانش ماهوی بودن و فلسفی بودن کمیات متصل را به ایشان نسبت دهیم؛ زیرا آیت‌الله مصباح یزدی برخلاف فیسلوفانی همچون ملاصدرا و محقق سبزواری، مقوله بودن و غیر ماهوی بودن را قابل جمع نمی‌داند. از منظر ایشان، اگر امری مقوله بود دیگر نمی‌توان آن را معقول ثانی فلسفی دانست و از همین‌رو از رفتار ملاصدرا و محقق سبزواری که برخی امور همچون اضافه را هم مقوله و هم از سنخ معقولات ثانیه فلسفی حساب کرده‌اند، اظهار تعجب می‌کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۷، ۳۷، ۱۶۶؛ ۱۳۶۱، ص ۶۱؛ همو، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۵۰؛ همو، ۱۳۶۴، ص ۲۴۲؛ مصباح یزدی و دیگران، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۳۷۳-۳۷۲) البته ایشان

توجهی نیز برای این‌گونه عبارات بیان می‌کنند که کسانی همچون ارسطو که تعداد مقولات را بیان کرده‌اند، می‌خواستند عام‌ترین مفاهیمی را که بر ماهیات حمل می‌شود دسته‌بندی کنند؛ خواه ماهیت حقیقی باشد و خواه مفاهیم عام ذهنی، یعنی از مقولات ثانیه فلسفی. (مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ص ۲۱۲؛ همو، ۱۳۹۳، ص ۲۱۷).

به هر حال از منظر ایشان یک امری مثل کم متصل، یا مقوله است و مندرج در ماهیت و یا معقول ثانی فلسفی و مندرج تحت مفاهیم غیر ماهوی، و نمی‌توان بین مقوله بودن و مفهوم غیر ماهوی بودن جمع کرد. در این مقاله در ضمن نقد خوانش ماهوی و خوانش «نه ماهوی و نه فلسفی بودن» کمیات متصل و پاسخ به اشکالاتی که این دو خوانش بیان کرده‌اند، شواهدی ذکر می‌کنیم که آیت‌الله مصباح تصریح کرده‌اند که کمیات متصل، معقول ثانی فلسفی‌اند و بنابراین، خوانش سوم مورد تایید ایشان است.

۲. خوانش اول: ماهوی بودن کمیات متصل

اولین خوانشی که در مورد دیدگاه ایشان در مورد کم متصل وجود دارد این است که ما، کم متصل را امری ماهوی بدانیم. عبارتی که این دسته از پژوهشگران به آن تمسک کرده‌اند عبارت ذیل از کتاب آموزش فلسفه می‌باشد:

«اما کمیات‌های متصل در ضمن بحث از مکان و زمان، روشن شد که آنها از چهره‌های وجود اجسام هستند و وجودی جداگانه از وجود جسم ندارند و به اصطلاح، جعل تألیفی و ایجاد مستقلی به آنها تعلق نمی‌گیرد، هرچند ذهن می‌تواند آنها را به‌عنوان ماهیات مستقلی در نظر بگیرد. با در نظر گرفتن این نکته، می‌توان آنها را به یک معنا از «اعراض اجسام» به حساب آورد، اما اعراضی که وجود آنها عین وجود جسم است و همه ماهیات آنها با یک وجود موجود می‌شوند، و به دیگر سخن وجود این‌گونه اعراض، از شئون وجود جوهر می‌باشد» (همو، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۳۵)

در این عبارت، استاد مصباح بیان کرده‌اند که ذهن می‌تواند کمیات متصل را به عنوان ماهیت مستقل و اعراض جسم در نظر بگیرد و این مطلب، یعنی این دسته از کمیات ماهیت و مقوله هستند. به عنوان مؤید نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که ایشان کیفیات مخصوص به کمیات متصل را در زمره مفاهیم ماهوی برشمرده‌اند و مفهوم کروی بودن، مربع و مثلث را ماهوی می‌دانند. (همو، ۱۳۶۱، ص ۱۳۲؛ همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۹۰) در عباراتی دیگر، کیفیات مختص به کم متصل را از اعراض جسم طبیعی به حساب آورده‌اند. (همو، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲) همچنین آیت‌الله مصباح در عبارتی این کمیات را از اعراض تحلیلی به حساب آورده‌اند و معلوم است که عرض ماهیت است؛ حال چه عرض خارجی باشد و چه عرض تحلیلی. لذا کمیات متصل، ماهیت عرضی هستند ولی عرضیت آنها تحلیلی است.

ایشان در آموزش فلسفه فرموده‌اند:

«کمیت متصل را که شامل مقادیر هندسی و زمان می‌شود، باید از اعراض تحلیلیه و حاکی از ابعاد وجود اجسام به‌شمار آورد.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۵۰)

همچنین باید اشاره کرد که ظاهراً معنای عرض تحلیلی برای برخی از مفسرین دیدگاه آیت‌الله مصباح روشن نیست و ضمن اینکه بیان داشته‌اند که خوانش معقول ثانی بودن کمیات متصل را از عبارت ایشان برداشت کرده‌اند، ولی علت اینکه ایشان اسم عرض تحلیلی برای این دسته از کمیات آوردند را جای بحث می‌دانند. (یادنامه علمی مصباح حکمت، ۱۴۰۲، ص ۱۶۲)

بررسی

در مورد اینکه ایشان می‌فرمایند: «ذهن می‌تواند آنها را به‌عنوان ماهیات مستقلی در نظر بگیرد»، باید گفت همین که ایشان ماهیت دانستن این کمیات را به توانایی ذهن نسبت می‌دهند گویای تسامح است. شهید مطهری نیز در آثارشان به این نکته اشاره کرده‌اند که کسانی که کم متصل را عین جسم می‌دانند، آنها را ماهیت نمی‌دانند، ولی تسامحاً در باب مقولات آورده‌اند. (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۳۴۲) استاد مصباح نیز در عبارتی تصریح می‌کنند که ماهوی بودن این دسته از کمیات، تسامحی است:

«اما اوصاف موضوعات هندسی، مانند مستقیم بودن و منحنی بودن خط، و مستوی یا مقعر یا محدب بودن سطح، مفاهیمی است انتزاعی که با چند واسطه از نحوه وجود اجسام انتزاع می‌شود. مخصوصاً با توجه به اینکه خود خط و سطح، در واقع حدود عدمی اجسام هستند که ذهن انسان با مسامحه آنها را ماهیاتی موجود در خارج تلقی می‌کند.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۴۸)

در مورد اینکه کیفیات مخصوص به کم متصل را نیز جزء اعراض به حساب آورده‌اند، با قرائن مشخص می‌شود که با بازگشت آن به تسامح است یا مراد، عرض تحلیلی است که در ادامه در مورد آن صحبت خواهیم کرد. قرینه‌ای که در اینجا وجود دارد این است که ایشان می‌فرمایند بر اساس اینکه کمیات متصل را جزء معقولات ثانیه حساب کنیم، می‌توانیم کیفیات مخصوص به کمیات متصل را عرض بدانیم و معلوم است که متعلق یک امر فلسفی، ماهوی نیست. لذا مراد از عرضی که بیان کرده‌اند یا تسامح است یا مراد، عرض تحلیلی است:

«بناء علی کون الكم من المعقولات الثانية يمكن جعل کیفیات المختصة بالکمیات المتصلة من أعراض الجسم الطبيعي، وینتزع عن جميعها مفهوم المقدار، وأما کیفیات المختصة بالعدد فهي أوصاف اعتبارية کنفس العدد» (همو، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲)

در برخی عبارات نیز بیان شده که این کیفیات، عرض تحلیلی هستند (همو، ۱۳۹۸، ج ۲،

ص ۲۵۱). از همین جا به بخش دوم جواب منتقل می‌شویم که مفهوم «عرض تحلیلی» که در مورد کمیات متصل و کیفیات مخصوص به آن به کار رفته است، به چه معنا است.

در برخی کتب علامه مصباح، «عرض تحلیلی بودن برای موجودات» از ویژگی‌های مفاهیم فلسفی شمرده شده است؛ (همو، ۱۳۹۱/ب، ج ۱، ص ۱۱۷) و حتی مفهوم وجود را عرض تحلیلی دانسته‌اند (مصباح یزدی و دیگران، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۵۶). با این حال آیا می‌توان این اصطلاح را عرض در مقابل جوهر دانست؟ ایشان در آثار فلسفی خویش، مرادشان را از عرض تحلیلی بیان کرده‌اند. مراد ایشان از اعراض تحلیلی صفاتی هست که در خارج به عین موصوف خود موجود می‌باشند ولی در ظرف ذهن می‌توان آنها را جدا ساخت؛ مثلاً وحدت وقتی صفت شیء مثل جسم واقع می‌شود امری زائد بر آن شیء نیست.^۱ (مصباح یزدی، ۱۳۹۱/ب، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۷؛ همو، ۱۴۰۲، ص ۴۵۹-۴۵۶) باید دانست که در اینجا میان عرض و عارض فرقی نیست و از این رو است که در عباراتی که در مورد کمیات متصل به کار رفته است، از هر دو تعبیر به یکسان استفاده می‌شود. عرض در این اصطلاح به معنای عرض در مقابل جوهر نیست، بلکه به معنای محمول است. (همو، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۱۹؛ همو، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۵۷)

عدم اطلاع برخی از نویسندگان از این ویژگی در کمیات متصل که علامه مصباح آن را عرض تحلیلی نامیده و در آموزش فلسفه، تصریح به معقول ثانی فلسفی بودن آن نکرده است، باعث خطا شده و پنداشته‌اند که این دسته از کمیات، از منظر علامه مصباح مفهوم فلسفی نیست.

۳. خوانش دوم: کمیات متصل نه ماهوی و نه فلسفی

خوانش دوم این است که از منظر ایشان، نه مفهوم ماهوی بر کمیات متصل صادق است و نه مفهوم ثانی فلسفی. خوانش دوم این‌گونه بیان شده است:

«استاد مصباح در جای دیگر مفاهیمی همچون شکل، حجم، حرکت، زمان و ... که نه کاملاً ویژگی مفاهیم ماهوی را دارا هستند و نه از راه مقایسه به دست آمده‌اند به‌عنوان شئون وجود جوهر قلمداد کرده‌اند؛ یعنی در اینکه ماهوی نیستند شک ندارند ولی چون مقایسه در کار نبوده است، تعریف معقولات ثانیه فلسفی نیز بر آنها صادق نیست. آیا این مفاهیم، دسته چهارم از مفاهیم هستند؟»

۱. همان، شرح الهیات شفاء، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۷: «دسته دیگری از صفات و اعراض هستند که در خارج، وجودی جداگانه و زائد بر ذات موصوف ندارند بلکه در خارج، عین موصوف می‌باشند ولی ذهن در ظرف تحلیل خودش می‌تواند این‌گونه صفات را از موصوف جدا سازد. این گروه از صفات ماباء عینی ندارند و در اصطلاح به «عوارض تحلیلی» شهرت یافته‌اند؛ مثلاً وحدت همانند سفیدی یا گرمی نیست تا بتوان گفت: این جسم است و این هم وحدت آن است. وحدت امری زائد بر ذات موصوف نیست. بدون شک وحدت ذات نیست؛ ولی صفت بودنش هم مثل صفت بودن صفات خارجی نیست ... این است که وجودی غیر از وجود صفت برای موصوف ندارند ... از قبیل اعراض تحلیلی هستند»

معقول ثانی فلسفی هستند و مقایسه‌ای بودن، ویژگی همه مفاهیم فلسفی نیست؟» (معلمی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵؛ همو، ۱۳۹۶، ص ۲۶۷).

می‌توان برای مؤید این قول، به برخی از عبارات آیت‌الله مصباح نیز استناد کرد و آن، جایی است که ایشان صرفاً کیف نفسانی و محسوس را در بین مقولات عرضی ماهیت می‌دانند ولی در مورد کمیات متصل، تصریحی به ماهوی بودن آن نکرده‌اند و از طرف دیگر، کمیات متصل را از مابقی مقولات عرضی که ایشان جزء معقول ثانی فلسفی می‌دانند جدا کرده‌اند:

«در میان مفاهیمی که به نام مقولات عرضی نامیده شده‌اند، کیف نفسانی و کیف محسوس را می‌توان از قبیل مفاهیم ماهوی و دارای مابازای عینی دانست، و کمیت متصل را که شامل مقادیر هندسی و زمان می‌شود، باید از اعراض تحلیلیه و حاکی از ابعاد وجود اجسام به‌شمار آورد. نیز کیفیات مخصوص به کمیات را می‌توان از اعراض تحلیلیه محسوب داشت. اما سایر اقسام عرض از قبیل مفاهیم عقلی و انتزاعی هستند که تنها منشأ انتزاع آنها وجود خارجی دارد، نه خود آنها به‌عنوان اقسام مستقلی از عرض.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۵۰)

بررسی

۱. اشکال اساسی این خوانش این است که ملاک معقول ثانی فلسفی بودن از دیدگاه آیت‌الله مصباح این است که با مقایسه به‌دست بیاید و به اصطلاح، رکن معقول ثانی فلسفی بودن «مقایسه» است؛ درحالی که این برداشت غلط است، زیرا لزوماً شرط معقول ثانی بودن مفهومی، به‌دست آوردن آن از راه مقایسه نیست و ما این را از منظر استاد مصباح به صورت مفصل در جای دیگر بحث کرده‌ایم. (امامی میبیدی، ۱۴۰۳، ص ۳۸-۳۳) با این حال، به صورت اختصار می‌گوییم که اولاً ملاک اساسی در معقول ثانی فلسفی بودن امری، نحوه وجود بودن آن است، نه مقایسه‌ای بودن. ثانیاً آنچه آیت‌الله مصباح در معقول ثانی فلسفی بودن مفهومی شرط می‌دانند احتیاج آنها به تحلیل ذهنی است و در تحلیل ذهنی لزوماً مقایسه‌ای بودن شرط نیست، بلکه به تعبیر ایشان، تحلیل ذهنی معمولاً به صورت مقایسه‌ای می‌باشد. ثالثاً در مقایسه کردن نیز لازم نیست حتماً دو چیز وجود داشته باشد، بلکه می‌توان دو نحو از یک وجود عینی را با هم مقایسه کرد و مفهوم فلسفی به دست آورد:

«حصول مفاهیم فلسفی ... محتاج به تحلیل ذهنی خاصی است که «معمولاً» در اثر مقایسه دو معلوم حضوری یا دو نحو وجود عینی با یکدیگر، انجام می‌گیرد.» (مصباح یزدی، ۱۳۶۱، ص ۹۳؛ ۱۳۹۴/ب، ص ۴۹).

۲. حتی در برخی مواردی که صاحب این خوانش بیان داشته‌اند که از راه مقایسه به‌دست نیامده است و معقول ثانی فلسفی بودن بر آنها صادق نیست، در عبارات استاد مصباح به تحصیل

از راه مقایسه و معقول ثانی فلسفی بودن آن تصریح شده است؛ همان‌طور که در مورد حرکت گفته شده است که وقتی بین دو جزء از یک جریان واحد را - که این دو جزء بالفعل وجود ندارد - مدنظر می‌گیریم، تغییر تدریجی به‌دست می‌آوریم که همان تعریف حرکت است (مصباح یزدی، ج ۲، ص ۳۳۳)؛ علاوه بر اینکه خود مفهوم «تغییر» را معمولاً از مقایسه دو شیء انتزاع می‌کنیم. در واقع، مفهوم تغییر شبیه مفهوم نسبت و اضافه بین دو چیز است. از تغییر بین دو شیء که شیء اول تبدیل به شیء دوم (غیر) می‌شود، مفهوم تغییر به‌دست می‌آید. گو اینکه خود اضافه و نسبت جزء مفهوم نیست؛ اما برای انتزاع، این مقایسه می‌بایست حاصل شود؛ مثل سایر معقولات ثانیه‌ای که از مقایسه به‌دست می‌آید. مثلاً «علت»، هر چند از قبیل اضافه نیست ولی برای انتزاع آن باید مقایسه ذهنی انجام گیرد.» (مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۴)

۳. چرایی جدا مطرح کردن کم متصل از سایر مقولات عرضی که معقول ثانی فلسفی هستند احتمالاً مربوط به بحث جعل است که این کمیات، متعلق جعل بسیط واقع می‌شوند ولی سایر مقولات نسبی متعلق هیچ جعلی نیستند:

«اعراض تحلیلی مانند کمیات متصل و کیفیات آنها، وجودی منحاز از وجود موضوعاتشان ندارند و تنها این‌گونه اعراض را باید از شئون وجود جوهر به حساب آورد که با موضوع خودشان متعلق یک جعل بسیط هستند. اما اعراض خارجی مانند کیفیات نفسانی، وجود عرضی ویژه‌ای دارند و جعل آنها تألیفی است. اما اعداد و مقولات نسبی و کیف استعدادی، از مفاهیم عقلی هستند و جعل حقیقی به آنها تعلق نمی‌گیرد.» (همو، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۲۵۱)

۳. خوانش سوم، دیدگاه برگزیده: کمیات متصل از سنخ معقولات ثانیه فلسفی

این خوانش علاوه بر اینکه توسط برخی از نویسندگان به عنوان دیدگاه آیت‌الله مصباح بیان شده است، (فنائی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۳؛ فیروزجائی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲) مؤیدات فراوانی در عبارات و آثار ایشان دارد.

«همه انواع کمیت متصل، نحوه وجود موجود جسمانی هستند که ذهن، هریک از جهات را بخصوصها مورد توجه قرار می‌دهد و مفهومی می‌گیرد که این مفهوم به نظر ما از معقولات ثانیه فلسفی است.» «صدرالمتألهین^۱ بر آن است که مقادیر و کمیت‌ها، نه از قبیل اعراض اند و نه از قبیل

^۱ایشان در عبارات مختلف تصریح کرده‌اند که نظر ملاصدرا در این زمینه را پذیرفته‌اند. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، شرح الهیات شفاء، ج ۲، ص ۳۳۸: «عوارض تحلیلیه» بودن مقادیر و کمیات؛ این نظر، مختار صدرالمتألهین است و به نظر می‌رسد که از سایر اقوال، بیشتر قابل دفاع و توجیه باشد؛ همو، شرح نهاییه الحکمّه، ج ۳، ص ۳۸۳: «با دقت در

جوهر، بلکه از «عوارض تحلیلیه» به‌شمار می‌آیند و نسبت به ماهیت شیء، عَرَضی هستند؛ یعنی جزء ماهیت آن نیستند. البته، بازگشت این مطلب به همان نظری است که ما در بحث‌ها بر آن تأکید ورزیده‌ایم و کمیت را از معقولات ثانیه فلسفی دانسته‌ایم. اینکه کمیت از معقولات ثانیه فلسفی و از عوارض تحلیلی وجود باشد بدان معنا است که مراتب وجود جوهر و از شئون وجود جوهر قرار گیرد.» (مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ص ۲۳۰؛ همو، ۱۳۹۱/ب، ج ۲، ص ۳۳۸-۳۳۷؛ همو، ۱۳۹۴/الف، ج ۳، ص ۳۸۳؛ همو، ۱۳۹۹، ص ۲۳۷-۲۳۶)

اشکال

بنا بر ادعای این نوشتار، علامه مصباح کم متصل را معقول ثانی فلسفی می‌دانند و در عین حال مدعی‌اند که جعل به آن تعلق می‌گیرد. آیا این تهافت در کلام نیست؟! توضیح آنکه: آیت‌الله مصباح در مورد معقولات ثانیه فلسفی می‌فرماید که: «قابل جعل و ایجاد نیستند، بلکه عناوینی هستند که عقل از دیدگاه‌های معینی از وجودهای خاصی انتزاع می‌کند» (همو، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۵۲۳). از طرف دیگر می‌فرماید: «اعراض تحلیلی مانند کمیات متصل و کیفیات آنها، وجودی منحاز از وجود موضوعاتشان ندارند و تنها این‌گونه اعراض را باید از شئون وجود جوهر به حساب آورد که با موضوع خودشان متعلق یک جعل بسیط هستند.» (همان، ص ۲۵).

بررسی

ابتدا توجه به این نکته لازم است که کلام آیت‌الله مصباح در اینکه جعل به مفاهیم فلسفی تعلق نمی‌گیرد مربوط به مفهوم است؛ اما ممکن است جعل به واقعیاتی که این مفاهیم از آنها حکایت می‌کنند تعلق بگیرد؛ مثل مفهوم وجود و واقعیت وجود که جعل به مفهوم آن تعلق نمی‌گیرد، ولی واقعیت عینی مجعول است. (مصباح یزدی و دیگران، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۶۰-۴۵۹). بعد از بیان این نکته بیان می‌داریم که مفاهیم فلسفی دو دسته‌اند:

۱. مفاهیم فلسفی که متعلق جعل بسیط هستند، مثل کم متصل؛
 ۲. مفاهیم فلسفی که متعلق هیچ جعل بسیط یا مرکبی نیستند، مثل اعداد و مقولات نسبی.
- (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۲۴)

▶ آنچه درباره موجودیت کمیات در خارج گفته‌اند، می‌توان دریافت که آنچه درباره کمیات پذیرفتنی است این است که اتصاف اشیاء به آنها خارجی است، نه اینکه عروض آنها بر اشیاء نیز خارجی باشد تا در زمره اعراض قرار گیرند؛ بنابراین همان‌گونه که صدرالمآلهین گفته است، همه کمیات را باید از اعراض تحلیلی به‌شمار آورد، نه اعراض خارجی.»

نتیجه‌گیری

با بررسی سه خوانش به دست می‌آید که آیت‌الله مصباح یزدی، کمیات متصل را از سنخ معقولات ثانیه فلسفی می‌داند، نه از ماهیات و اگر در برخی عبارات، آنان را ماهیت دانسته است از باب تسامح است. از این رو خوانشی که این دسته از کمیات را ماهوی می‌داند صحیح نیست. همچنین خوانش دیگری که آنها را نه مفهوم ماهوی و نه معقول ثانی فلسفی می‌داند، نادرست است و با تصریح عبارات آیت‌الله مصباح در تنافی است.

منابع

۱. آیتی، محمد ابراهیمی (۱۳۷۱). مقولات و برخی آراء مربوط به آن. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق). الشفاء. قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی.
۳. امامی میبدی، سید میثم (۱۴۰۳). معقولات ثانیه فلسفی از منظر آیت الله مصباح یزدی و تأثیرات آن در علوم اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴. بهمنیار بن مرزبان (۱۳۷۵). التحصیل. تصحیح مرتضی مطهری. تهران: دانشگاه تهران.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵). ره یافت‌ها و ره‌آورها (ج ۱). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶. حسینی، محمدباقر (میرداماد) (۱۳۸۰). جذوات و موافقت. با حواشی حکیم ملاعلی نوری. تصحیح علی اوجبی. تهران: میراث مکتوب.
۷. سهروردی، یحیی بن حبش (۱۳۹۶ ق). مجموعه مصنفات شیخ اشراق (ج ۱). تصحیح هانری کربن. تهران: نشر انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱ م). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. (ج ۴). بیروت: دارالتراث العربی.
۹. فنائی، محمد (۱۳۹۸). معقول ثانی. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۰. کرد فیروزجایی، یارعلی (۱۳۹۳). حکمت مشاء. قم: مجمع عالی حکمت اسلامی.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۹). شرح اسفار (ج ۱)، تحقیق و نگارش محمدتقی سبحانی و مهدی عبداللهی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۲. _____ (۱۳۶۱). ایدئولوژی تطبیقی. قم: انتشارات در راه حق.
۱۳. _____ (۱۳۶۱). چکیده چند بحث فلسفی. قم: مؤسسه در راه حق.
۱۴. _____ (۱۳۹۸). آموزش فلسفه. (ج ۱ و ۲). چاپ پنجم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۵. _____ (۱۳۹۱ الف). رساترین دادخواهی و روشنگری. تحقیق و نگارش عباس گرایسی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. _____ (۱۳۹۱ ب). شرح الهیات شفاء. (ج ۱ و ۲). تحقیق و نگارش محمدباقر ملکیان و دیگران. چاپ هشتم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۱۷. _____ (۱۳۹۳). تعلیقه علی نه‌ایة الحکمة. چاپ پنجم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. _____ (۱۳۹۴ الف). شرح نه‌ایة الحکمة، (ج ۱ و ۲ و ۳). تحقیق و نگارش عبدالرسول عبودیت. چاپ چهارم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. _____ (۱۳۹۴ ب). فلسفه اخلاق. تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۴). درس فلسفه. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی و دیگران (۱۴۰۲). هم‌اندیشی معرفت‌شناسی (ج ۲). نگارش محمد سربخشی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. _____ (۱۳۹۵). هم‌اندیشی معرفت‌شناسی (ج ۱). نگارش محمد سربخشی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). مجموعه آثار. چاپ سوم. تهران: صدرا.
۲۴. معلمی، حسن (۱۳۹۶). پیشینه و پیرنگ معرفت‌شناسی اسلامی. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. _____ (۱۳۸۷). نگاهی به معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. یادنامه علمی مصباح حکمت (۱۴۰۲). قم: مجمع عالی حکمت اسلامی.